

بررسی تقسیط کیفر جزای نقدی در نظام حقوقی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ - تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱/۲۵)

دیژن نجفی

قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده:

به موازات تقنین در توجیه توقیف محکومین مالی، تقنین در عدم توجیه زندان استبرایی در قالب نهاد اعسار انجام گرفته است، اما در حوزه حاکمیت حقوق جزا تقنین در عدم توجیه بازداشت بدل از جزای نقدی شاید متأثر از نگاه سختگیرانه و مجازات محور قانونگذار ایران، به اکراه برای اولین بار قالب موادی کوتاه از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) محقق شده است و نهال اعسار کیفری، نوپا و شکننده است که بدون همت قدم ها و قلم های نگران تبدیل آن به نهاد اعسار کیفری محقق نخواهد شد.

واژگان کلیدی: اعسار، تقسیط، جزای نقدی، نظام حقوقی



مقدمه:

اعسار بنا به تعریفی همه قابل رجوع زمان به معسر جهت بازیافت قوایی تحلیل رفته خود در جامعه است نهاد اعسار از پرداخت محکومیت مالی، در گذر زمان، با وضع قوانین مختلف در نظام حقوقی و قضایی کشور، جانمایی شده است اما؛ در حوزه حقوق جزا تنها نوع شناخته شده اعسار از پرداخت محکومیت کیفری مالی، تقسیط کیفر جزای نقدی است. که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) در قالب مواد معدود و به صورت نه چندان شفاف به آن اشاره شده است. و جانمایی آن در نظام حقوق و قضایی کشور مستلزم گذشت زمان و بهره گیری از رویه قضایی ایجاد شده در حوزه حقوق خصوصی و نیز مقررات حاکم بر اعسار از پرداخت محکومیت مالی و احياناً دکترین حقوقی ناظر بر اعسار حقوقی است و الا، تقنین بعدی قانونگذار ایران، که آن هم معلوم نیست در چه زمان و به چه کیفیتی باشد، در فضایی که تفکر هبه زمان به مجرم مغلوب تفکر همه زمان معسر است، متروک ماندن تاسیس زیبای جدید قانونگذار امری اجتناب ناپذیر خواهد بود.

اعسار از پرداخت محکوم به مالی سابقه نسبتاً مدیدی از حیث قانونگذاری دارد از جمله این قوانین، قانون اعسار مصوب (۲۰) آذر (۱۳۱۳) است که برای اولین بار اعسار ماهیت حقوقی بخشید و زوال حیات حقوقی افلاس را به صراحت اعلام کرد. موادی از قانون نحوه اجرایی محکومیت های مالی مصوب (۱۳۵۱) و نیز ماده (۱۱) آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی (۱۳۰۹)، ماده واحده قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی مصوب (۱۳۵۲)، قانون نحوه اجرا محکومیت های مالی مصوب (۱۳۷۲) و مواد (۵۰۴) لغایت (۵۱۴) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب (۱۳۹۴) مستندات قانونی اعسار از پرداخت محکوم به هستند اما؛ دو حوزه تقسیط جزای نقدی تا قبل از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) عملاً قانونی که به نحو اختصاصی کالا یا جزا تقسیط جزای نقدی را مورد تعریف و تعرفه قرار داده باشد وجود نداشت. علی ایحال پذیرش تقنینی تقسیط جزای نقدی از لابلای برخی قوانین به صراحت هویدا است، از جمله: بند (د) ماده (۱) آیین نامه اجرایی ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب (۵۱/۴/۱۱) که اشاره داشت به... برای تادیه جزای نقدی تضمین یا وثیقه سپرده نشده یا قرار تقسیط داده نشده باشد. و نیز نظر اداره حقوقی قوه قضاییه که به استناد بند (۶) ماده (۱) آیین نامه اجرایی مذکور جزای نقدی را قابل تقسیط می دانست؛ موجب دسته بندی نظرات قضایی قضات گردید به نحوی که برخی اختیار تقسیط را با دادگاه و برخی با اجرای



احکام و برخی پس از پیشنهاد اجرای احکام با دادگاه می دانستند. ماده ۱ قانون نحوه اجرایی محکومیت های مالی مصوب (۱۳۵۱) نیز تقسیط را پس از تحمل نصف حبس بدل از جریمه نقدی در قالب اعسار پذیرفته بود به ماده (۳۱) قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ نیز در باب تخفیف در جزای نقدی شرایطی خاص تاسیس همانند تقسیط جزای نقدی داشت و اداره حقوق قوه قضاییه در نظریه شماره ۳۶۰۷/۷ مورخ ۵/۶/۷۹ این موضوع را تاکید کرده است. قانون اجرای نحوه محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ نه تنها به پذیرش اعسار یا قسط بندی جزای نقدی اشاره می کند که در تقویت این نظر می توان به ابطال ماده ۲ آیین نامه اجرای مصوب ۱۳۷۸ موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی به موجب رای شماره ۱۱۹/۷۹ مورخ ۵/۶/۱۳۸۰ هیات عمومی دیوان عدالت اداری اشاره کرد.

بخش اول: بررسی مقایسه ای اعسار حقوقی و تقسیط کیفری:

اینکه اصولاً اعسار از پرداخت محکومیت مالی از حیث ماهیت با تقسیط از پرداخت جزای نقدی مشابهت دارد یا دارای ماهیتی مقایسه است؟ مستلزم پرداختن به هر دو موضوع در قوانین موضعه است: قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ در ماده ۶ خود، معسر را کسی می داند که به دلیل نداشتن مالی به جز، مستثنیات دین، قادر به تأییدیه دیون خود نباشد و تبصره ماده قانونی مرغوم عدم قابلیت دسترسی به مال را در حکم نداشتن مال تلقی کرده است. و اثبات عدم قابلیت دسترسی را بر عهده مدیون گذاشته است ضمن اینکه ماده ۱۱ قانون پیش گفته قالبهای قابل تحقق برای اعسار از پرداخت محکوم به را به شرح زیر تفکیک کرده است:

بند اول: اعطای مهلت مناسب برای پرداخت محکوم به.

ب: صدور حکم بر تقسیط بدهی (با قابلیت تعدیل اقساط ملحوظ: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) اصلاحات (۱۳۹۴) با اختصاص مواد (۵۲۹) لغایت (۵۳۳) خود به مقررات ناظر بر تقسیط جزای نقدی پرداخته است. با استنباط از مواد قانونی مرقومی، تقسیط جزای نقدی فرع بر فقدان مال یا عدم شناسایی آن و عدم امکان توقیف بخشی از حقوق و یا سایر درآمدهایی محکوم علیه برای وصول جزای نقدی است و احراز قدرت محکوم علیه به پرداخت جزای نقدی به نحو تقسیط توسط دادگاه نخستین که رای زیر نظر آن اجرایی شده ضرورت دارد. و نیز اخذ تضمین جهت پذیرش تقسیط ضروری است. و در فرضی که اجرایی حکم به نحو مذکور (فقدان مال، عدم دسترسی به مال، عدم توقیف حقوق و سایر درآمدها، عدم تقسیط جزای نقدی) فراهم نشود؛ با رعایت مقررات مربوط





به مجازات های جایگزین حبس اقدام خواهد شد و همچنین تقسیط جزای نقدی در صورت محکومیت به پرداخت جزای نقدی در مرحله بدوی مسقط حق تجدید نظر خواهی شناخته شده است بنابراین؛ نتایج حاصل از قیاس اعسار حقوقی و تقسیط کیفری از زوایایی ذیل قابل توجه است:

۱ تفاوت در ماهیت: اعسار از پرداخت محکوم به مالی فرع بر عدم توان پرداخت و تقسیط کیفری فرع بر احراز توان پرداخت اقساطی است، به دیگر در متن ماده (۵۲۹) قانونگذار صراحتاً قید نموده است: ... در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکوم علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساط، دادگاه نخستین که رای زیر نظر آن اجرا می شود، می تواند با اخذ تضمین مناسب امر به تقسیط نماید... در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکوم علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساط، دادگاه نخستین که رای زیر نظر آن اجرا می شود، می تواند با اخذ تضمین مناسب امر به تقسیط نماید... بدین سان، احراز قدرت محکوم علیه بر پرداخت اقساط ضرورت دارد، در حالی که اعسار حقوقی عدم توان پرداخت و احراز توان پرداخت اقساطی اساس کار است، بنابراین به نظر می رسد حرف "ی" در واژه اقساط در ماده (۵۲۹) می توانست کارساز باشد. بدین شکل که ... احراز قدرت وی به پرداخت اقساطی... کل مفهوم را عوض می کرد؛ چرا که احراز توان پرداخت اقساطی مفهومی است عام بدین تعبیر که دادگاه احراز می کند محکوم علیه می تواند به نحو قسطی پرداخت کند و اگر در آتیه نتوانسته به نحو قسطی بپردازد، دعوایی تعدیل تقسیط (ماده ۱۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی) اقامه می کند اما، احراز توان پرداخت اقساط مفهومی است جزئی و خاص یعنی این که دادگاه وظیفه دارد احراز نماید که محکوم علیه توان پرداخت تک تک اقساطی را که در حکم قید شده دارد و با این تفکر دعوایی تعدیل تقسیط عملاً بی محتوا خواهد بود، چرا که دادگاه از قبل احراز نموده که محکوم علیه هر یک از اقساط را می تواند پرداخت کند.

۲- تفاوت در ساختار: همان گونه که پیشتر بیان شد، اعسار از پرداخت محکوم به مالی در دو شکل (اعطای محبت و تقسیط محکوم به) امکان پذیر است اما، تقسیط جزای نقدی صرفاً بصورت قسط بندی است و اعطای مهلت مناسب در تقسیط جزای نقدی پذیرفته نخواهد شد، بر خلاف قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب (۱۳۵۱) و نیز ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۷۰) که در آن قانون اعطای مهلت برای پرداخت جزای نقدی پذیرفته شده بود.

۳- تفاوت در زمان دعوا: برابر مواد قانون آیین دادرسی کیفری که قبلاً به آنها اشاره شد طرح دعوی تقسیط از پرداخت جزای نقدی بدون قطعیت حکم در مرحله بدوی امکانپذیر است اما؛ طرح دعوی اعسار از پرداخت محکوم به مستلزم قطعیت حکم و حتی صدور اجراییه است.

۴ تفاوت در لوازم و مقدمات لازمه و مقدمه پذیرش دعوی تقسیط از پرداخت جزای نقدی به صراحت مواد قانونی مرقوم از قانون آیین دادرسی کیفری تودیع تضمین مناسب است تضمینی که امکان پرداخت اقساط در فرض عدم پرداخت آن توسط محکوم علیه از محل آن فراهم است، اما به صراحت ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت های مصوب (۱۳۹۴) اخذ تضمین (کفالت یا وثیقه) از محکوم علیه تا روشن شدن وضعیت اعسار وی و به جهت اجتناب از زندان استبرایی شخص محکوم صورت می پذیرد به محض پذیرش تقسیط و با اعطای مهلت موضوع ماده (۱۱) قانون مذکور از تضمین تودیع شده رفع اثر خواهد شد.

۵ تفاوت در ضمانت اجرا: در اعسار مدنی، عدم تمکین به اقساط ملحوظ در رای دادگاه، موجب فراهم آمدن امکان فوری بازداشت محکوم علیه مالی است، اما؛ در فرض تقسیط جزای نقدی عدم پرداخت اقساط به صراحت ماده (۵۳۲) قانون آیین دادرسی کیفری، موجب لغو حکم تقسیط به وسیله دادگاه صادر کننده حکم قطعی خواهد شد و برای اجرای حکم اقدام قانونی مقتضی انجام میگیرد و چون ماده (۵۲۹) این قانون اشعار داشته هرگاه اجرای حکم به طریق مذکور نگردد^{۴۸} با رعایت مقررات مربوط به مجازات های جایگزین حبس به ترتیب زیر عمل شود... زیرا به نظر میرسد در فرضی که اقساط جزای نقدی پرداخت شود دادگاه صادر کننده رأی قطعی می بایست حکم تقسیط را لغو و اجرای احکام نسبت به اجرای مجازات جایگزین حبس اقدام نماید و چنان چه جزای نقدی بیشتر از پانزده میلیون ریال باشد، در صورت عدم انجام خدمت عمومی رایگان محکوم به ازای هر سیصد هزار ریال یک روز بازداشت شود. موضوع دیگری که تفاوت در ضمانت اجرا را در مباحث مطروحه می رساند قرضی است که محکوم علیه اموال خود را پنهان کند و یا تقسیط، تمکن مالی حاصل کند. در این فرض، پنهان کردن اموال توسط محکوم به جزای نقدی فاقد وصف کیفری با ضمانت اجراست و حصول تمکن مالی نیز دارای ضمانت اجرای لغو حکم تقسیط است چه بسا موضوع ظاهر در بند الف ماده (۵۱۹) قانون آیین دادرسی کیفری بوده و در فرض محکومیت به جزای



^{۴۸} مراد نداشتن مال عدم شناسایی مال و عدم تقسیط جزای نقدی است.

نقدی کمتر از پانزده میلیون ریال اصولاً امکان بازداشت محکوم علیه در صورت لغو حکم تقسیط وجود نداشته باشد، اما؛ برابر ماده (۱۶) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، عدم اعلام کامل اموال به منظور فرار از اجرای حکم موجب لغو حکم اعتبار و حبس تعزیری درجه (۷) است و حتی ارتکاب تقصیر منتهی به اعسار موجب محرومیت های مندرج در ماده (۱۷) قانون مذکور (مجازات هایی که بعضاً تبعی و تکمیلی هستند) شده و نیز رفع عسرت پس از صدور حکم اعسار موجب لغو این حکم و حبس محکوم علیه خواهد شد.

۶- اختلاف در مرجع رسیدگی: مرجع برای رسیدگی به دعوی تقسیط جزای نقدی دادگاه کیفری اعم از کیفری یک، کیفری ۲ انقلاب و نظامی است و مرجع صالح برای رسیدگی به دعوی اعسار حقوقی، دادگاه حقوقی است. در هر حال دو دعوا از * دادگاه های نخستین هستند. در خصوص آرای کیفری صادره از سازمان تعزیرات حکومتی تبصره ی ماده (۲۷) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب (۱۳۹۴) محکومیت های کیفری سازمان تعزیرات حکومتی را تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری می داند و ماده قانونی * آرای مدنی تعزیرات حکومتی را تابع قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی * بنابراین تقسیط جزای نقدی صادره از تعزیرات حکومتی در صلاحیت خود سازمان مذکور است.

بخش دوم: تبیین عملی موضوع

الف: باز کرد شکلی: تقسیط جزای نقدی از حیث شکل دارای ویژگی های ذیل است:

۱- به تصریح تبصره ماده (۵۳۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) دعوا تلقی میشود و چون دعوا تلقی شده مستلزم تقدیم دادخواست در قالب های مخصوص دادخواست حقوقی و * هزینه دادرسی به مأخذ دعاوی غیر مالی است

۲- خواهان دعوا شخص محکوم به جزای نقدی است، اما؛ اینکه خواننده دعوا چه کسی است روبه فعلی محاکم متشت و ناهمگون است. برخی معتقدند چنان چه جرم دارای جنبه خصوصی صرف باشد، می بایست مدعی خصوصی، طرف دعوا واقع شده و چنان چه صرفاً جنبه ی الهی داشته باشد، دعوا بطرفیت دادستان اقامه خواهد شد و چنان چه واجد هر دو خصیصه باشد، دعوا بطرفیت مدعی خصوصی و دادستان، برخی معتقدند که در هر صورت و حتی در فرضی که دعوا واجد جنبه خصوصی صرف باشد، دادستان می بایست طرف دعوا واقع شود و استدلال ایشان تبصره (۳) ماده (۵۲۹) قانون آیین دادرسی کیفری است که حضور محکوم در فرجه زمانی ده روز جهت پرداخت



جزای نقدی را موجب معافیت بیست درصدی از جزای نقدی با نظر قاضی اجرای احکام کیفری میدانند و اعتقاد دارند که چون قاضی اجرای احکام زیر نظر دادستان و مجموعه تشکیلات دادسرا است و در واقع اختیارات قانونی دادستان است که به قاضی اجرای احکام تفویض شده و در جایی که قانون گذار بدون ذکر عنوان جرم حتی در جرایم قابل گذشت نیز حضور محکوم به جزای نقدی را در فرجه ده روزه موجب معافیت بیست درصدی از اجرای نقدی با نظر قاضی اجرای احکام (دادستان) میدانند؛ لذا دفاع در مقابل دعوای تقسیط جزای نقدی نیز از وظایف دادستان است. اعم از اینکه جرم واجد حیثیت عمومی یا خصوصی یا هر دو آنها باشد (میری، ۱۱۵) نظر سومی نیز در خصوص اینکه دعوای می بایست بطرفیت خزانه دولت (اداره دارایی) مطرح شده در بین قضات وجود دارد که نامأنوس و غیر عملی است.

۳- ترتیبات شکلی از قبیل تبادل لوایح، و ضمانت اجرای نقص دادخواست و عدم رفع آن، رد فوری دادخواست تشکیل جلسه رسیدگی، ایرادات و... در دعوای تقسیط جزای نقدی برابر مقررات آیین دادرسی مدنی لازم الرعایه است. اما طرح دعوای طاری ایراد دعوای واهی و سایر مواردی که ماهیت حقوقی صرف دارد، قابل تصور نیست.

۴- مرجع صالح رسیدگی در تقسیط جزای نقدی دادگاه های کیفری و انقلاب و نظامی و نیز سازمان تعزیرات حکومتی است که پیشتر موضوع تشریح شد.

۵- تصمیم نهایی دادگاه ها در فرض پذیرش ماهیتی به صورت حکم به تقسیط و در فرض رد ماهیتی بصورت بطلان دعوای یا عدم پذیرش دعوای تقسیط یا رد دعوای تقسیط (هر سه مورد واجد یک مفهوم هستند) بوده و در فرض رد شکلی در قالب یکی از قرارهای تعرفه شده در دادرسی مدنی اعم از عدم استماع یا رد دعوای یا ابطال دادخواست، به تبع شرایط موجود در پرونده است. این مفاهیم از ماده (۵۳۳) قانون آیین دادرسی کیفری قابل اسنادراک و استنباط است.

۶- حکم صادره در خصوص تقسیط جزای نقدی به تصریح ماده (۵۳۱) قانون آیین دادرسی کیفری قابل تجدید نظر خواهی است.

با توجه به عمومات موضوع و آنچه که در قوانین کنونی در زمره اختیارات دادستان قرار گرفته است و در فرض پذیرش طرح دعوای تقسیط بطرفیت دادستان به نظر می رسد و رأی صادره از جانب دادستان قابلیت درخواست تجدید نظر خواهی داشته باشد. و نیز بنظر می رسد رأی صادره در این خصوص در فرض قطعیت حکم در مرجع بدوی قابلیت فرجام خواهی ندارد. ضمن اینکه تصور غیابی



بود رای بالحاظ ماده (۵۰۷) قانون آیین دادرسی مدنی که اظهار دارد رای اعسار در هر حال حضوری محسوب می شود متعذراست.

۷ در اینکه حکم صادره در خصوص تقسیط جزای نقدی اعتبار امر مختومه دارد؟ قانون و رویه و دکترین با سکوت مواجه است، اما؛ با توجه به اینکه علی اصول ترتیب حالت عسر عارضی و ادواری است و چه بسا شخصی یک روز متمکن و روز دیگر معسر باشد؛ لذا قایل شدن به اعتبار امر مختوم بها برای رای صادره در تقسیط جزای نقدی مغایر اصول حقوقی است، ضمن اینکه در فرض عدم پرداخت اقساط حکم تقسیط ملغی می شود که ملغی شدن حکم از خصوصیات احکامی است که واجد اعتبار امر مختومه نشستند.

باز کرد ماهیتی: تقسیط جزای نقدی از حیث محتوا دارایی ویژگی های زیر است.

۱ ادله اثبات دعوا علی الاصول تابع آیین دادرسی مدنی است، چرا که همانگونه که پیشتر بیان شد تقسیط جزای نقدی دعوا تلقی می شود و برابر ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به دعوی حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه کیفری اقامه می شود تابع مقررات آیین دادرسی مدنی است.

۲ اقامه دلیل و اثبات دعوا در دعوایی تقسیط با مدعی است بر خلاف اصل موضوع کیفری که منجر به صدور جزای نقدی شده (جرم) که اثبات آن بر عهده نهاد تعقیب است.

۳ امکان معرفی و کیل برای طرفین در دعوای مذکور وجود دارد چرا که دعوای مستقل بوده و همان گونه که بیان شد دعوا تلقی شده و دارایی خصوصیات دعوای حقوقی است.

۴- استعمال اموال مدعی از مراجع تعریف شده در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ضروری است. چرا که همان گونه که بیان شد رسیدگی در این دعوا تابع مقررات دادرسی مدنی است و مقررات شکلی مختص دادرسی در دعوای اعسار در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی تشریح شده است و برابر ماده (۱۰) قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی دادگاه مکلف به بررسی وضعیت مالی محکوم علیه از طریق استعلام و به هر نحوه دیگر است. اما این موضوع در عمل موجب اطاله دادرسی خواهد شد.

۵- طرح دعوای تقسیط جزای نقدی صرفا مختص اشخاص حقیقی نیست، با توجه به قابلیت تعقیب و محاکمه و محکومیت اشخاص حقوقی در قوانین شکلی و ماهیتی که در سال های اخیر تصویب شده اند، از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و نیز تصریح ماده (۲۶) قانون نحوه



اجرای محکومیت های مالی، شخص حقوقی نیز می تواند تقسیط جزای نقدی را مطرح کند ضمن اینکه در صورتی که محکوم علیه تاجر باشد برابر ماده (۱۵) قانون مذکور می بایست دادخواست توقف تقدیم کند و دعوای تقسیط از تاجر پذیرفته نیست.

نتیجه گیری

قوانین پوشش دهنده نهاد تقسیط جزای نقدی از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی در مواردی که منشأ اقدام و عمل در این موضوع قرار می گیرد، واجد جنبه حمایتی و دارای رویکرد حبس زدایی هستند اما عدم کفایت قوانین ناظر و خصوصاً قانون آیین دادرسی کیفری و نگاه اجمالی این قانون به موضوع مهمی چون تقسیط جزای نقدی علاوه بر اینکه عملاً به تشتت و ناهمگونی رو به فضایی منتهی می شود، در گذر زمان موجب متروک ماندن این نهاد و نادیده انگاشته شدن آن توسط محاکم و متصدیان اجرا و حمل آثار زیانبار آن بر محکومین به پرداخت جزای نقدی خواهد شد. در پایان نکاتی برای اصلاح و تکمیل قوانین ناظر بر موضوع پیشنهاد می شود:

- ۱- لزوم تصریح به تعیین خوانده دعوا
- ۲- اهتمام مقنن به یکسان سازی ماهیت دعوای تقسیط جزای نقدی و اعسار از پرداخت محکوم به از طریق اصلاح عبارت ((..... در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکوم علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساط.....)) به این طریق ((..... در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکوم علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساطی محکوم به.....))
- ۳- فراهم نمودن امکان قانونی طرح دعوای تعدیل اقساط جزای نقدی
- ۴- لزوم جرم انگاری پنهان نمودن اموال به قصد تقسیط جزای نقدی و یا ارتکاب عمومی تقصیر منتهی به عدم تمکن مالی به شرحی که در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب (۱۳۹۴) در خصوص اعسار از پرداخت محکوم به مالی جرم انگاری شده است.
- ۵- لزوم تعیین و تعریف ادله اثبات دعوای تقسیط و یا حداقل ارجاع صحیح موضوع به ادله اثبات حقوقی.
- ۶- عدم سختگیری محاکم در مواجهه با دعوای تقسیط و توجه بیشتر به آن با رویکرد حبس زدایی دستگاه قضا.



منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم

۲- آیتی، سید محمد رضا. زر گوش نسب. عبدالجبار (۱۳۹۰). (نقد و بررسی دلایل و آرای فقهی پیرامون زندانی کردن بدهکار معسر) فصل نامه فقه و تاریخ تمدن، سال هفتم، شماره ۲۷، صفحات ۴۰-۹

۳- رحمتی، محمد، میری، ایوب، فرخزادی، علی اکبر (پاییز و زمستان ۹۲)، نقد رویه قضایی در بررسی دعوی اعسار، نشریه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، پردیس قم، دوره دهم، شماره دوم، صفحات ۲۳۹ لغایت ۲۶۲

۴- اعظمی چهار برج، حسین، فضلی، (پاییز ۸۶)، تاثیر اعسار در پرداخت جزای نقدی، مجله حقوق دادگستری، شماره ۶۰، صفحات ۱۶، ۱۷، ۱۸

۵- میری، ایوب، کاهش جمعیت زندان ها با آسیب شناسی بازداشت های مالی در رویه قضایی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران واحد ایلام، زمستان ۱۳۹۴

۶- قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۵۱

۷- قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷

۸- قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴

۹- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

